

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۸۸، ۱۶۲ - ۱۲۵

بررسی تأثیر یکپارچه‌سازی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب

دکتر ابوالقاسم مهدوی* حورا مجدرضایی**

پذیرش: ۸۸/۵/۵

دریافت: ۸۷/۱۲/۱۲

یکپارچه‌سازی اقتصادی / رشد اقتصادی / سازمان کنفرانس اسلامی / بازار مشترک

چکیده

تجارت به عنوان موتور رشد و توسعه در بیشتر جوامع توسعه یافته و حتی در حال توسعه مطرح می‌باشد. در سال‌های اخیر با طرح پدیده "جهانی شدن" و کاهش شدید موانع زمانی و مکانی در داد و ستدهای جهانی دولت‌ها به منظور ورود در بازارهای جهانی و بهره مندی از مزایای تجارت آزاد توجه بیشتری را به یکپارچه‌سازی‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی معطوف داشته‌اند. بررسی تأثیر انواع یکپارچه‌سازی‌ها بر متغیرهای کلان مانند رشد اقتصادی کشورهای عضو، علاوه بر دولت‌ها مورد توجه بسیاری از محققان اقتصادی نیز قرار گرفته است.

در این مقاله با استفاده از مدل بادینگر تأثیر یکپارچه‌سازی سازمان کنفرانس اسلامی بر رشد اقتصادی هشت کشور منتخب این سازمان (ایران، اندونزی، مالزی، ترکیه، پاکستان، مصر، عربستان و کویت) در دوره زمانی ۱۹۹۴-۲۰۰۴ مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاکی است علیرغم آنکه سازمان کنفرانس اسلامی نوعی یکپارچه‌سازی فرهنگی است که بر مبنای اشتراکات فرهنگی و ایدئولوژیکی و نه انگیزه‌های اقتصادی شکل گرفته است، اما تجارت

mahdavi@ut.ac.ir

hoora_majd@yahoo.com

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد اقتصادی

■ حورا مجدرضایی، مسئول مکاتبات.

درون گروهی هشت کشور مورد بررسی، تأثیر مثبت و معنی داری بر رشد آن‌ها دارد، که البته با توجه به ضرایب بدست آمده میزان این تأثیر در مقایسه با تجارت کشورهای فوق با سایر کشورها به دلیل عدم تشکیل یکپارچه‌سازی اقتصادی میان هشت کشور مذکور زیاد نیست. همچنین بررسی دو شاخص مؤثر و مهم در ایجاد یکپارچه‌سازی نظیر GDP و درآمد سرانه در میان کشورهای اسلامی حاکی از آن است که هشت کشور مورد بررسی این تحقیق به لحاظ دو شاخص فوق از تشابه زیادی برخوردار بوده که این امر نیز می‌تواند تحقق یکپارچه‌سازی اقتصادی را میان این کشورها امکان پذیر نماید.

طبقه‌بندی JEL: F15, O11

مقدمه

نگاهی گذرا به پیرامون، بیانگر همکاری و تعامل بسیاری از دولت‌ها و ملت‌هاست. جهان در حال گذار از مرحله جدال ملت‌ها در روابط تجاری و به جای آن مبادلات همه‌جانبه و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی است. امروزه سرعت تحولات جهانی به حدی است که کمتر کسی توان پیش‌بینی تحولات آینده را دارد. پدیده "جهانی شدن" به عنوان حرکتی پویا و دامنه‌دار به فرآیندی اشاره دارد که طی آن مرزهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رفته رفته کم‌رنگ‌تر و همزمان مبادلات بین‌المللی افزایش می‌یابد. جهانی شدن ضمن بین‌المللی کردن بازارهای جهانی محیطی رقابتی را ایجاد کرده که در آن تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد بقا خواهند داشت. از این رو در دهه‌های اخیر دولت‌ها به یکپارچه‌سازی‌های گوناگون متأثر از اشتراکات اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی و ایدئولوژیک روی آورده‌اند، تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کنند و به مزیت رقابتی در بازارهای جهانی دست یابند، مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل کنند و ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد را در درون منطقه میسر سازند. این اهمیت سبب‌گردیده است تا از پایان قرن ۲۰ به بعد شاهد موج جدیدی از یکپارچه‌سازی منطقه‌ای باشیم. امروزه منطقه‌گرایی به سرعت در حال رشد و پیشرفت است و با ورود به قرن ۲۱ از آنجا که سال‌های پایانی قرن ۲۰ به سال‌های توسعه و تعمیق "جهانی شدن" شناخته می‌شود، یکپارچگی منطقه‌ای به موازات جهانی شدن در نظام تجارت جهانی پیش می‌رود.

در این میان کشورهای اسلامی نیز به دلیل برخورداری از پتانسیل‌های مناسب ظرفیت‌های بالقوه در جهت گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی اقدام به تشکیل یکپارچه‌سازی‌های گوناگون نظیر سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)^۱، شورای همکاری‌های خلیج فارس (GCC)^۲، سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو)^۳ و... نموده‌اند. البته

1. Organization of Islamic Conference
2. Persian Gulf Cooperation Council
3. Economic Cooperation Organization (ECO)

گردهمایی کشورهای اسلامی در قالب یکپارچه‌سازی OIC بیشتر متوجه به جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و مشترکات ایدئولوژیک بوده است اما با توجه به موقعیت اقتصادی این کشورها و ربط وثیقی که بین مسائل اقتصادی و مسائل سیاسی و فرهنگی این کشورها وجود دارد بررسی آثار این یکپارچه‌سازی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بحث دارای اهمیت ویژه‌ای است. در واقع هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تأثیر روابط تجاری شکل گرفته (به عنوان شاخص یکپارچه‌سازی) در چارچوب یکپارچگی سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب عضو این سازمان می‌باشد به عبارت دیگر پرسش اصلی این مقاله آن است که آیا این یکپارچه‌سازی که مبانی مشترک فرهنگی و ایدئولوژیکی آن بر سایر مبانی غالب بوده، و بین کشورهایی شکل گرفته که عموماً در حال توسعه و یا کم توسعه یافته، به لحاظ جغرافیایی پراکنده و از نظر تعداد فراوان هستند، می‌تواند به لحاظ اقتصادی نیز برای کشورهای عضو حائز اهمیت باشد و تأثیر مثبتی بر رشد کشورهای منتخب عضو این سازمان داشته باشد؟ و از آنجا که در اکثر تحقیقات انجام گرفته با در نظر گرفتن یکپارچه‌سازی‌های منطقه‌ای که عموماً با انگیزه‌های اقتصادی و در جهت بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی میان کشورهای عضو شکل گرفته‌اند به بررسی اثر تشکیل یکپارچه‌سازی بر رشد اقتصادی پرداخته می‌شود، در این تحقیق از یکپارچه‌سازی ایدئولوژیک که کشورهایی را با اشتراکات فرهنگی و مذهبی و نه اقتصادی در کنار یکدیگر قرار داده و زمینه ایجاد، تقویت و گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی را میان کشورهای عضو فراهم آورده است، برای بررسی فوق استفاده خواهد شد.

برای این منظور با استفاده از مدل بادینگر و بهره‌گیری از روش داده‌های تلفیقی به بررسی تأثیر روابط تجاری شکل گرفته در چارچوب یکپارچگی سازمان کنفرانس اسلامی بر رشد ۸ کشور اسلامی منتخب (ایران، مالزی، اندونزی، مصر، پاکستان، کویت، عربستان و ترکیه) در دوره زمانی ۱۹۹۴-۲۰۰۴ پرداخته خواهد شد.

این مقاله از پنج بخش تشکیل شده است. پس از مقدمه، مبانی نظری، نگاهی به ساختار اقتصادی و تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، مطالعات انجام شده، ارائه

الگو و تجزیه و تحلیل نتایج آمده است و در پایان جمع بندی و ملاحظات ارائه شده است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مفهوم یکپارچه‌سازی^۱ و اشکال آن

یکپارچه‌سازی اصطلاحی رایج در تجارت بین الملل بوده که غالباً با عناوینی نظیر هم پیوندی، همگرایی و ادغام نیز به کار می‌رود. در این رابطه بالاسا^۲ (۱۹۶۱) معتقد است که یکپارچه‌سازی اقتصادی پروسه‌ای جهت از میان برداشتن موانع تبعیضی میان کشورهای عضو و یا تلاش جهت تقلیل دادن این موانع میان اقتصادهای ملی عضو می‌باشد. سالواتوره^۳ (۱۹۷۵) نیز در تعریف یکپارچه‌سازی اقتصادی بیان می‌دارد که نظریه یکپارچه‌سازی اقتصادی نوعی سیاست بازرگانی جهت کاهش یا حذف موانع تبعیض آمیز بین کشورهای متحد است. گارلر^۴ (۲۰۰۰) نیز بیان می‌دارد که یکپارچه‌سازی اقتصادی به ایجاد یک واحد اقتصادی بزرگتر از مجموع اقتصادهای ملی کوچکتر اشاره می‌کند، که در آن گروه‌ها و جوامع ذی نفع در بخش‌های اقتصادی و تجارت خارجی فعالیت نموده و با ملاحظه نتایج مثبت آن، حوزه عمل و تصمیم‌گیری را گسترش می‌دهند، به این منظور موانع و محدودیت‌های تجاری بر سر راه تجارت میان اعضای وابسته برداشته می‌شود و همکاری و هماهنگی در فعالیت‌های تجاری، پولی و مالی میان کشورهای عضو گسترش می‌یابد. یکپارچه‌سازی بسته به دامنه و عمق همکاری‌های کشورهای عضو در اشکال متفاوتی وجود دارد.

یکی از ابتدائی‌ترین و ملایم‌ترین سطوح یکپارچه‌سازی اقتصادی مقررات ترجیحی تجارت^۵ است. این سطح از یکپارچه‌سازی اقتصادی سبب کاهش موانع تجاری میان تمام کشورهای عضو نسبت به تجارت با سایر کشورهای غیر عضو می‌شود. سطح دوم منطقه

-
1. Integration
 2. Balassa
 3. Salvatore
 4. Gurler
 5. Preferential Trade Agreement

تجارت آزاد^۱ می‌باشد که متداول ترین شکل یکپارچه‌سازی‌های منطقه‌ای به شمار می‌رود. در این سطح، تمام موانع و محدودیت‌های تجاری میان اعضا حذف می‌شود ولی هر کشور عضو موانع تجاری خود را با سایر کشورهای غیر عضو حفظ می‌کند. در مناطق آزاد تجاری امروزه بسیاری از موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد از صرف آزاد سازی تجارت میان کالاهای کشورهای عضو فراتر رفته و اعضا دامنه تعهدات خود را به حوزه تجارت خدمات نیز گسترش داده‌اند. سطح سوم یکپارچه‌سازی شامل اتحادیه گمرکی بوده که در این مرحله مانند مناطق تجارت آزاد هر نوع تعرفه یا موانع غیر تعرفه‌ای میان اعضا حذف می‌شود، اما وجه تمایز آن با مناطق تجارت آزاد در این است که تمام کشورهای عضو اتحادیه گمرکی سیاست‌های تجاری یکسانی را نسبت به کشورهای غیر عضو اعمال می‌کنند. این نوع یکپارچگی نیازمند از دست دادن بخش بیشتری از حاکمیت ملی می‌باشد. بنابراین کشورهای عضو اختیار تدوین سیاست‌های تجاری مستقل را در سطح ملی از دست داده و به اتفاق دیگر اعضا سیاست‌های تجاری یکسانی را در قبال کشورهای غیر عضو در پیش می‌گیرند. در سطح چهارم بازار مشترک قرار دارد که چیزی فراتر از اتحادیه گمرکی بوده و در آن تحرک آزادانه نیروی کار و سرمایه بین کشورهای عضو وجود دارد. سطح آخر شامل اتحادیه اقتصادی است که کامل ترین و پیشرفته ترین شکل یکپارچه‌سازی اقتصادی به شمار می‌رود و در آن اعضا سیاست‌های پولی و مالی یکسانی را اتخاذ می‌کنند. در واقع در این مرحله کشورهای عضو در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی خود یا به رویه هماهنگی و سازگاری و یا به رویه وحدت روی می‌آورند. در رویه هماهنگی کشورهای عضو سعی می‌کنند سیاست‌های هماهنگ و سازگاری را اتخاذ نمایند، در حالی که در رویه وحدت کشورهای عضو به یک سیستم اقتصادی تبدیل می‌شوند و تصمیم‌گیری را به یک نهاد فرا ملی واگذار می‌کنند، که این نهاد نماینده تمام کشورهای عضو است. این سطح از یکپارچگی اقتصادی علاوه بر اینکه نیازمند سطح بالایی از اراده سیاسی برای نیل به یکپارچگی میان اعضا است، درجه بالایی از تجانس اقتصادی و همگونی شاخص‌های کلان اقتصادی اعضا را نیز می‌طلبد^۲.

1. Free Trade Area

2. Salvatore,(1975).

۱-۲. اثرات رفاهی یکپارچه‌سازی اقتصادی

نظریه تجارت تأکید می‌کند که آزاد سازی تجارت با افزایش کارایی به بهبود توسعه و رفاه اقتصادی می‌انجامد. بنابراین یکی از اهداف دولت‌ها در امضای توافقنامه‌های تجاری دستیابی به رشد و توسعه از طریق بهبود کارایی در نتیجه آزاد سازی تجاری می‌باشد که بهتر است این آزاد سازی به دور از تبعیض و با رعایت شرایط یکسان نسبت به هر کدام از اعضا صورت پذیرد، مانند وضعیت "دولت کامله الوداد" که در بند یک سازمان تجارت جهانی به آن اشاره شده است و در تحلیل‌های نئوکلاسیک نیز مورد حمایت قرار گرفته است.

در واقع باید گفت که توافقات تجاری منطقه‌ای^۱ به مثابه "بهینه دوم"^۲ رویکرد آزادسازی تجاری محسوب می‌شوند.

همچنین برخی معتقدند که امتیازات و ویژگی‌های مثبت یک پیمان تجاری منطقه‌ای باید متضمن وجود شرائطی باشد که بر اساس آن آثار ابداع تجاری و سایر اثرات مثبت ناشی از شکل‌گیری یکپارچه‌سازی اقتصادی نظیر افزایش در بهره‌وری که به دلیل ایجاد رقابت و برخورداری از صرفه‌های مقیاس ایجاد شده توسط آثار انحراف تجاری پیمان‌های منطقه‌ای مورد تهدید قرار نگیرد. به طور کلی اثرات رفاهی یکپارچه‌سازی اقتصادی در دو سطح آثار رفاهی ایستا و آثار رفاهی پویا قابل تفکیک می‌باشد.

۱-۲-۱. آثار رفاهی ایستا

آثار رفاهی ایستا که بیشتر در قالب اتحادیه‌های گمرکی مطرح می‌شود، بر حسب دو مفهوم "ایجاد تجارت"^۳ و "انحراف تجارت"^۴ قابل بررسی می‌باشد.

ایجاد تجارت زمانی اتفاق می‌افتد که واردات با هزینه کمتر و ارزان‌تر از سوی سایر اعضای اتحادیه، جانشین برخی از تولیدات یک کشور عضو گردد، با این فرض که قبل و بعد از تشکیل اتحادیه گمرکی اشتغال کامل منابع تولیدی حاکم باشد. در این صورت با

1. Regional Trading Agreement (RTA)

2. Second Best

3. Trade Creation

4. Trade Diversion

وجود این جانمایی رفاه تمام کشورهای عضو با توجه به مزیت نسبی و در نتیجه تخصص در تولید افزایش می‌یابد. همچنین باید گفت که اتحادیه‌های گمرکی مولد تجارت سبب افزایش رفاه کشورهای غیر عضو نیز می‌شوند، زیرا بخشی از افزایش در درآمد حقیقی (به دلیل افزایش تخصص در تولید) صرف واردات بیشتر از سایر کشورها خواهد شد.

۲-۲-۱. اثرات رفاهی پویا

علاوه بر آثار رفاهی ایستا که در بخش قبل به آن پرداختیم، کشورها می‌توانند با تشکیل یکپارچه‌سازی‌های اقتصادی از منافع پویای آن نیز برخوردار شوند. این منافع با توجه به افزایش رقابت، صرفه‌جویی‌های مقیاس، تشویق سرمایه‌گذاری و استفاده مطلوب تر از منابع و در نتیجه رسیدن به رفاه بالاتر حاصل می‌شود که در ادامه به توضیح بیشتر پیرامون هر کدام از موارد فوق خواهیم پرداخت.

الف) افزایش رقابت

بزرگترین منفعت پویای یکپارچه‌سازی‌های اقتصادی، افزایش رقابت میان تولیدکنندگان کشورهای عضو می‌باشد. در صورت شکل‌گیری یکپارچه‌سازی اقتصادی و حذف موانع تجاری میان کشورهای عضو تولیدکنندگان هر کشور یا باید به رقابت کارا با سایر کشورهای عضو بپردازند و یا تجارت را ترک کنند. تمایل به رقابت بیشتر منجر به افزایش انگیزه استفاده از تکنولوژی‌های جدید و بهبود کارایی فنی می‌شود که این خود توسعه اقتصادی را به دنبال دارد، همچنین این فعالیت‌ها به نوبه خود منجر به کاهش هزینه‌های تولید خواهد شد و لذا مصرف‌کنندگان داخلی از کالاهایی ارزانتر و با کیفیت بهتر منتفع خواهند شد.

ب) صرفه‌جویی‌های مقیاس^۱

با تشکیل یکپارچه‌سازی اقتصادی امکان ایجاد مقیاس اقتصادی از طریق بزرگتر شدن بازارها فراهم خواهد شد. در صورت برقراری یکپارچه‌سازی، صرفه‌های ناشی از مقیاس در صنایعی اتفاق می‌افتد که انحصاری بوده و قبل از تشکیل یکپارچگی نتوانسته‌اند به اندازه

1. Economies of Scale

بهینه بنگاه دست یابند.

باید به این نکته نیز توجه داشت که حتی یک کشور کوچک خارج از اتحادیه نیز می‌تواند بر کوچک بودن بازارهای داخلی خود غلبه کند، و با صدور کالا به سایر کشورهای جهان به صرفه‌جویی‌های مقیاس در زمینه تولید دست یابد.

ج) تحریک و تشویق سرمایه‌گذاری^۱

از آنجا که با تشکیل یکپارچه‌سازی زمینه لازم برای ایجاد بازارهایی بزرگتر به همراه رقابتی فشرده تر فراهم می‌گردد، این امر خود سبب تشویق سرمایه‌گذاری با انگیزه کسب سود از چنین بازارهایی می‌شود علاوه بر این تشکیل اتحادیه‌ها باعث می‌شود تا تحرک عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار) با سهولت بیشتری فراهم شود که این امر خود سبب خواهد شد تا سرمایه و نیروی کار هر کدام به جایی انتقال یابند که بازده بیشتری نصیبشان می‌شود در نتیجه ریسک سرمایه کاهش و سرمایه‌گذاری افزایش خواهد یافت.

د) رسیدن به رشد و رفاه بالاتر

همواره گفته می‌شود که هدف نهایی از فعالیت‌های اقتصادی افزایش سطح رفاه می‌باشد، اما باید گفت که رفاه مفهومی پیچیده و مبهم است. در تعریف پارتو^۲ درباره رفاه اجتماعی گفته می‌شود که افزایش در رفاه فرد منجر به افزایش در رفاه اجتماعی می‌شود، تنها در صورتی که رفاه هیچ کس کاهش نیابد.^۳

نتایج تحقیقات اقتصادی نشان می‌دهد که توافقات تجاری منطقه‌ای می‌توانند رفاه را افزایش دهند که این تأثیر گذاری از طرق زیر صورت می‌پذیرد:

- افزایش در میزان کالاهای تولیدی به دلیل بهره‌مندی از صرفه‌های مقیاس
- تغییر در میزان تبعیض میان کالاهای داخلی و خارجی (از طریق حذف یا کاهش نرخ‌های تعرفه)

- توزیع مجدد درآمد میان کشورهای عضو

1. Stimulus to Investment
2. Pareto

۳. پژویان، جمشید (۱۳۶۹).

- توزیع مجدد درآمد در داخل هر کدام از کشورهای عضو

غالباً رفاه بالقوه به صورت تغییر در میزان کالای تولید شده و یا تغییر در توزیع آنها در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که در نتیجه یکپارچه‌سازی توزیع مجدد منابع صورت می‌پذیرد و به دلیل حذف موانع تجاری و تعرفه‌های گمرکی امکان انجام تولید در یک مقیاس وسیع‌تر فراهم می‌گردد، رفاه بالقوه افزایش می‌یابد، چرا که با تولید بیشتر کالاها و خدمات (در نتیجه وجود صرفه‌های مقیاس) محصول بیشتری در اختیار مصرف‌کنندگان کشورهای عضو یکپارچه‌سازی قرار می‌گیرد و تعداد بیشتری از مردم در وضعیت بهتری قرار خواهند گرفت. همچنین ایجاد یکپارچه‌سازی میان کشورها می‌تواند منجر به گسترده شدن دامنه انتخاب‌های مصرف‌کنندگان کشورهای عضو شود و از این طریق نیز بر رفاه بالقوه اعضا تأثیرگذار باشد. غالباً محدودیت در مصرف کالاها بیانگر تبعیض در قیمت کالاهای داخلی و خارجی است. تعرفه‌ها سبب می‌شوند که مصرف‌کنندگان بیشتر از کالاهای داخلی و کمتر از کالاهای خارجی استفاده کنند، اما حذف تعرفه کالاها میان کشورهای عضو باعث از میان برداشتن تبعیض قیمتی میان کالاها شده و سبب گسترده‌تر شدن دامنه انتخاب‌های مصرف‌کنندگان نیز خواهد شد.

همچنین رفاه بالقوه به صورت بهبود در تخصیص منابع نیز در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه تشکیل یکپارچه‌سازی اقتصادی (به خصوص بازار مشترک) تحرک آزادانه نیروی کار و سرمایه صورت می‌پذیرد که منجر به استفاده کارا تر از منابع و بهبود در تخصیص آنها می‌شود بنابراین یکپارچه‌سازی می‌تواند از این منظر نیز بر رفاه بالقوه اعضا تأثیرگذار باشد.

در واقع می‌توان گفت که افزایش رقابت، بهره‌برداری از صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس، تحریک و تشویق سرمایه‌گذاری و بهبود کارایی فنی تولید که از پیامدهای تشکیل یکپارچه‌سازی میان کشورهای عضو می‌باشد، سبب انتقال منحنی امکانات تولید می‌شود و در واقع نرخ رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد.

۳-۱ یکپارچه‌سازی و رشد اقتصادی

افزایش اهمیت موافقت‌نامه‌های مربوط به یکپارچه‌سازی منطقه‌ای (RIA)^۱ و افزایش قابل توجه این یکپارچه‌سازی‌ها در دهه ۱۹۹۰ از مهم‌ترین عوامل گسترش تجارت بین‌الملل بوده است. تکامل کشورهای اروپایی در قالب اتحادیه اروپا با سطح عمیق‌تری از یکپارچه‌سازی، ایجاد موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA)^۲، تشکیل بازار مشترک آمریکای جنوبی (MERCOSUR)^۳، احیای دوباره ترتیبات قدیمی مانند آسه آن (ASEAN)^۴ و موج جدید ترتیبات تجاری دو جانبه شامل کشورهای آمریکای لاتین مثال‌هایی از این پدیده هستند. در حال حاضر بیشتر کشورهای جهان به دلیل اهمیتی که این ترتیبات در مواجهه با پدیده جهانی شدن دارند، حداقل در یکی از موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی عضو می‌باشند و حداقل یک سوم تجارت جهانی در قالب این موافقت‌نامه‌ها انجام می‌شود. از آنجا که تشکیل یکپارچه‌سازی و به دنبال آن برخورداری از مزایایی نظیر گسترش بازارهای داخلی و بهره‌مندی از صرفه‌های مقیاس، کاهش و یا حذف تعرفه‌های گمرکی به صورت مشترک و ایجاد تجارت آزاد، بهره‌مندی از اثرات سرریز، جریان آزاد سرمایه و نیروی کار و... می‌تواند متغیرهای کلان اقتصادی نظیر رشد را هدف قرار دهد، لذا این موضوع توجه بسیاری از اقتصاددانان و اندیشمندان را در سال‌های اخیر به خود جلب کرده است به گونه‌ای که هر کدام از یک منظر تأثیر شکل‌گیری یکپارچه‌سازی اقتصادی را بر رشد مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه به تعدادی از این نظرات می‌پردازیم.

والز (۱۹۹۷)^۵ معتقد است که اثرات پویای یکپارچه‌سازی منطقه‌ای به طور بالقوه بزرگتر از اثرات ایستای آن است.

پوگا و وینابلس (۱۹۹۸)^۶ تأثیرات انواع مختلف ترتیبات منطقه‌ای را بر درآمد و سطح رفاه مورد بررسی قرار دادند (آن دو ترتیبات جنوب - جنوب و ترتیبات شمال - شمال را در

-
1. Regional Integration Agreement
 2. North American Free Trade Agreement
 3. Southern Cone Common Market
 4. Association of Southeast Asian Nations
 5. Walz (1997), pp 309-326.
 6. Puga & Venables (1998).

توسعه صنعتی مورد آزمون قرار دادند) و این گونه بیان داشتند که اگرچه آزادسازی‌های یک جانبه سودمند است اما منافی است که از ترتیبات یکپارچه‌سازی بر رشد کشورهای عضو حاصل می‌شود احتمالاً بیشتر خواهد بود. آنها همچنین معتقد بودند که ترتیبات شمال - جنوب تأثیر بیشتری را بر رشد کشورهای در حال توسعه نسبت به ترتیبات جنوب - جنوب خواهد داشت.

آنها در جای دیگر نیز اشاره می‌کنند که ترتیباتی که دربردارنده حداقل یک شریک توسعه یافته باشد می‌تواند رشد را افزایش دهد.^۱

وامواکیدیس (۱۹۹۸)^۲ نظری بر خلاف پوگا و وینابلس بیان می‌دارد. وی این سؤال را مطرح می‌کند که آیا کشورهایی که در آزادسازی‌های یک جانبه وارد می‌شوند رشد سریع تری را نسبت به کشورهایی خواهند داشت که در توافقات یکپارچه‌سازی منطقه ای وارد می‌شوند؟ وی با بررسی‌های خود این نتیجه را بیان می‌دارد که رشد اقتصادی در کشورهایی که به آزادسازی روی آورده‌اند بیشتر از کشورهایی بوده است که درگیر توافقات یکپارچه‌سازی شده‌اند. همچنین وی دریافت که تنها عضویت در یک یکپارچه‌سازی سبب رشد نخواهد شد.^۳

دسته دیگری از مطالعات رابطه میان یکپارچه‌سازی و رشد را از کانال آزادسازی تجارت مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این بررسی‌ها نیز بعضاً متفاوت با یکدیگر می‌باشد. برخی از این تحقیقات بیان می‌دارند که آزادسازی تجاری منجر به افزایش بهره‌وری عوامل تولید اقتصاد از طریق دستیابی به تکنولوژی جدید، افزایش در کارایی و در نتیجه رقابت بیشتر می‌گردد و از این طریق سبب تحریک رشد می‌شود. این دسته از تحقیقات بر رابطه مستقیم میان آزادسازی تجارت و رشد تأکید می‌کنند. (برای مثال می‌توان به بررسی‌های انجام شده توسط US ITC (۱۹۹۷) و مطالعه ادواردز (۱۹۹۳) اشاره کرد).

اما در مقابل افرادی نظیر لواین و رنلت (۱۹۹۲)^۴ بیان می‌دارند که ارتباط مستقیم میان

1. Berthelon, Mathias. (2004).

2. Vamvakidis(1998).

3. Vamvakidis , A.(1998), pp 251- 270.

4. Levine & Renelt(1992).

آزادسازی تجارت و رشد چندان قوی نیست اما آزادسازی از طریق تأثیر بر روی سرمایه‌گذاری سبب افزایش رشد خواهد شد و بنابراین آنان معتقد به یک رابطه غیر مستقیم میان دو متغیر فوق‌الذکر بودند.

بالدوین (۱۹۹۶)^۱ نیز بر رابطه غیر مستقیم تجارت آزاد و رشد تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که کاهش در محدودیت‌های تجاری چه در داخل و چه در بین کشورها سبب ایجاد نرخ‌های بالاتر سرمایه‌گذاری و افزایش بازدهی سرمایه می‌شود که خود منجر به رشد درآمد می‌گردد. وی با فرض آنکه کالاهای قابل تجارت، کالاهای کارخانه‌ای هستند که سرمایه بر می‌باشند اظهار می‌دارد که تجارت آزادانه سبب افزایش تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای شده و در نتیجه بازدهی سرمایه افزایش می‌یابد. افزایش نرخ بازگشت سرمایه منجر به سرمایه‌گذاری بالاتر شده که خود رشد درآمد را به همراه خواهد داشت. فرضی را که وی با استفاده از آن نتیجه‌گیری کرده بود بعدها مورد انتقاد قرار گرفت چرا که در بیشتر کشورهای مورد بررسی کالاهای قابل تجارت لزوماً کالاهای کارخانه‌ای نبودند و تنها از سال ۱۹۹۹ به بعد سهم تولیدات کارخانه‌ای در کالاهای تجاری افزایش یافت و همچنان در بسیاری از کشورها تولیدات مواد غذایی بالاترین سهم را در تجارت آنها با سایر کشورها داشت. بنابراین تجارت آزادانه لزوماً نمی‌تواند بیانگر افزایش در تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای باشد.^۲

با توجه به نظرات مطرح شده می‌توان دریافت که تأثیر یکپارچه‌سازی بر رشد اقتصادی از مجاری متفاوتی قابل بررسی است و می‌توان گفت رابطه مشخصی میان یکپارچه‌سازی و رشد وجود ندارد و عموماً با بررسی انواع مختلف یکپارچه‌سازی (توافقات شمال - شمال، توافقات جنوب - جنوب و توافقات شمال - جنوب) نتیجه‌گیری‌های گوناگونی توسط محققان صورت پذیرفته است.

1. Baldwin(1996).

2. Dean ,Judith M.(2002).

۲. نگاهی به ساختار اقتصادی و تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)^۱ به عنوان یکی از بزرگترین سازمان‌های فرامنطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی محسوب می‌شود و در زمره همکاری‌های جنوب - جنوب قرار می‌گیرد که بر مبنای قرابت‌ها و اشتراکات فرهنگی و ایدئولوژیکی میان اعضا شکل گرفته است، و از لحاظ تعداد اعضا یکی از بزرگترین تشکل‌های سیاسی جهان به شمار می‌رود. این سازمان در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ با عضویت ۲۵ کشور در جریان اولین نشست سران جهان اسلام که در رباط مراکش به دلیل آتش سوزی مسجد الاقصی به دست صهیونیست‌ها برگزار گردید، تأسیس شد. سازمان کنفرانس اسلامی هم اکنون دارای ۵۷ عضو می‌باشد که این کشورها دارای پراکندگی جغرافیایی زیادی هستند، به طوری که ۲۷ کشور در قاره آسیا، ۲۷ کشور در قاره آفریقا، ۱ کشور (آلبانی) در اروپا و ۲ کشور سورینام و گویان در آمریکای لاتین قرار دارند. به لحاظ مساحت نیز کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی شرائط مختلفی دارند. بزرگترین کشور عضو، قزاقستان با مساحت ۲۶۷۱ هزار کیلومتر مربع و کوچکترین کشور عضو، مالدیو با مساحت ۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارند در مجموع کشورهای عضو سازمان تقریباً ۲۳٪ از کل مساحت جهان را به خود اختصاص داده‌اند. از نظر جمعیت نیز حدود $\frac{1}{3}$ جمعیت جهان در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی ساکن هستند. پر جمعیت‌ترین کشور اسلامی اندونزی با جمعیتی معادل ۲۲۰ میلیون نفر و کم جمعیت‌ترین کشور اسلامی مالدیو با جمعیتی کمتر از نیم میلیون نفر است. متوسط رشد جمعیت نیز در این کشورها ۳/۲٪ است.

بررسی‌های انجام شده پیرامون روابط تجاری کشورهای اسلامی در خلال سال‌های ۱۹۹۴-۲۰۰۴ نشان می‌دهد که کل تجارت کالا و خدمات کشورهای عضو سازمان در سال ۱۹۹۴، ۵۹۷/۳ میلیارد دلار بوده است که ۲۹۶/۶ میلیارد دلار آن مربوط به واردات و ۳۰۰/۷ میلیارد دلار آن به صادرات این کشورها به جهان اختصاص داشته است. بنابراین این

1. Organization of Islamic Conference

کشورها در سال ۱۹۹۴، ۷٪ تجارت جهانی، ۶/۹٪ واردات و ۷/۱٪ صادرات جهانی کالا و خدمات را به خود اختصاص داده اند و در سال ۲۰۰۴ نیز به ترتیب ۸/۳٪ تجارت جهانی، ۷/۳٪ واردات و ۹/۴٪ صادرات از آن کشورهای اسلامی بوده است.^۱ در جدول (۱) حجم تجارت درون گروهی هشت کشور^۲ مورد بررسی این تحقیق در خلال سال‌های ۱۹۹۴-۲۰۰۴ و ۲۰۰۱ حجم تجارت درون گروهی کشورهای مذکور از یک سیر صعودی برخوردار بوده است.

جدول ۱- حجم تجارت درون گروهی هشت کشور اسلامی

ارقام به میلیون دلار

سال	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
تجارت درون گروهی	۲۲۱۴	۲۶۳۱۱	۲۸۸۹۳	۲۸۸۲۸	۲۴۷۸۹	۲۷۱۳۴	۳۳۷۴۰	۳۳۱۱۶	۳۵۱۲۱	۴۲۵۷۴	۵۵۲۶۷

Direction of Trade Statistic

در جدول (۲) وضعیت کشورهای اسلامی را به لحاظ دو شاخص کلان اقتصادی (GDP و درآمد سرانه) در سال ۲۰۰۴ نشان می‌دهد. با نگاهی اجمالی به این جدول، مشخص می‌شود که کل تولید ناخالص داخلی سازمان در سال ۲۰۰۴، ۴۷۴۴۲۸۸ میلیون دلار بوده است. در میان کشورهای اسلامی نه کشور الجزایر، بنگلادش، مصر، اندونزی، ایران، مالزی، پاکستان، عربستان و ترکیه هر یک بیش از ۲۰۰۰۰۰ میلیون دلار بر حسب PPP تولید ناخالص داخلی داشته اند که جمعاً ۳۵۲۸۴۲۵ میلیون دلار بوده است و معادل ۷۴٪ از کل تولید ناخالص OIC را تشکیل می‌دهند. در مقابل ۲۲ کشور از کشورهای عضو سازمان از تولید ناخالصی کمتر از ۲۰۰۰۰ میلیون دلار برخوردارند. از نظر درآمد سرانه نیز بر اساس اطلاعات آماری بالاترین درآمد سرانه به کشورهای بحرین، کویت، مالزی، عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی تعلق دارد که هر کدام درآمد سرانه‌ای بیش

۱. حسن پور (۱۳۸۵).

۲. این کشورها شامل ایران، اندونزی، مالزی، پاکستان، مصر، ترکیه، کویت و عربستان می‌باشند.

از ۱۰ هزار دلار داشته‌اند و حال آنکه کمترین درآمد سرانه به گینه بیسائو، مالی، نیجریه، سیرالئون و یمن اختصاص دارد که هر یک از درآمد سرانه ای کمتر از ۱۰۰۰ دلار برخوردار بوده‌اند. بنابراین در کل می‌توان گفت که ناهمگونی و عدم تجانس زیادی میان کشورهای اسلامی از نظر دو شاخص GDP و درآمد سرانه وجود دارد.

جدول ۲- تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه کشورهای اسلامی

بر حسب PPP در سال ۲۰۰۴

ارقام به میلیون دلار

ردیف	کشورها	GDP بر حسب PPP	درآمد سرانه بر حسب PPP
۱	الجزایر	۲۱۳۸۹۴	۶۶۱۰
۲	آلبانی	۱۵۳۰۵	۴۹۱۸
۳	آذربایجان	۳۲۳۶۶	۳۸۹۷
۴	بحرین	۱۴۱۷۴	۱۹۸۰۱
۵	بنگلادش	۲۶۶۸۰۰	۱۹۱۶
۶	بنین	۸۹۹۲	۱۱۰۰
۷	بورکینافاسو	۱۴۸۶۵	۱۱۵۹
۸	کامرون	۳۵۶۸۹	۲۲۲۵
۹	چاد	۱۲۷۹۲	۱۳۵۴
۱۰	کومور	۱۱۱۵	۱۸۹۶
۱۱	جیبوتی	۱۶۲۴	۲۰۸۵
۱۲	مصر	۲۹۷۰۱۰	۴۰۸۹
۱۳	گابن	۹۱۴۰	۶۷۰۹
۱۴	گامبیا	۲۶۹۴	۱۸۲۳
۱۵	گینه	۲۰۴۵۲	۲۲۲۳
۱۶	گینه بیسائو	۱۲۳۰	۷۹۹
۱۷	گویان	۳۳۶۳	۴۴۸۲
۱۸	اندونزی	۷۷۹۱۸۴	۳۵۸۱
۱۹	ایران	۵۰۵۸۱۶	۷۵۱۴
۲۰	اردن	۲۷۳۹۲	۵۱۲۰
۲۱	قزاقستان	۱۰۵۳۰۱	۷۰۱۴
۲۲	کویت	۵۹۷۰۶	۲۴۲۷۵
۲۳	قرقیزستان	۹۶۷۹	۱۹۰۱

ردیف	کشورها	GDP بر حسب PPP	درآمد سرانه بر حسب PPP
۲۴	لبنان	۱۹۱۹۷	۵۴۲۲
۲۵	مالزی	۲۵۴۶۱۷	۱۰۲۲۸
۲۶	مالی	۱۲۷۸۰	۹۷۴
۲۷	موریتانی	۶۳۱۲	۲۱۱۸
۲۸	مراکش	۱۳۱۱۴۱	۴۳۹۷
۲۹	موزامبیک	۲۲۱۶۱	۱۱۴۱
۳۰	نیجر	۱۰۱۲۴	۷۵۰
۳۱	نیجریه	۱۳۴۶۱۲	۱۰۴۶
۳۲	عمان	۳۸۳۷۷	۱۵۱۴۶
۳۳	پاکستان	۳۳۲۵۳۴	۲۱۸۷
۳۴	عربستان	۳۳۰۸۵۴	۱۴۶۸۵
۳۵	سنگال	۱۹۲۸۹	۱۶۹۴
۳۶	سیرالئون	۴۰۲۱	۷۵۴
۳۷	سودان	۶۷۸۲۶	۱۹۰۹
۳۸	سورینام	۳۲۰۳	۷۱۷۴
۳۹	سوریه	۶۶۹۸۱	۳۶۰۵
۴۰	تاجیکستان	۷۹۶۷	۱۲۳۹
۴۱	توگو	۸۷۳۷	۱۴۵۹
۴۲	تونس	۷۸۱۹۲	۷۸۷۲
۴۳	ترکیه	۵۴۷۷۱۵	۷۶۹۸
۴۴	اوگاندا	۳۸۱۵۰	۱۳۷۱
۴۵	امارات متحده عربی	۱۰۳۴۷۵	۲۳۹۵۲
۴۶	ازبکستان	۴۸۹۷۱	۱۸۹۳
۴۷	یمن	۱۸۴۶۸	۹۰۸

World Development Indicators (2007)

۳. مطالعات انجام شده

توماس برودزیکي^۱ (۲۰۰۶) در مقاله خود به بررسی تأثیر یکپارچه‌سازی بر رشد از طریق تغییر در اندازه بازار داخلی ۲۷ کشور عضو (۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا و ۱۲

1. Tomasz Brodzicki (2006).

کشور توسعه یافته دیگر) در دوره زمانی ۱۹۹۹-۱۹۶۰ و با استفاده از مدل پنل می‌پردازد. وی رشد را تابعی از نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی به GDP، نسبت مخارج دولتی به GDP، نسبت تجارت خارجی به GDP، نرخ رشد جمعیت و اندازه بازار تعریف کرده و با استفاده از شاخص نسبت مجموع GDP کشورهای عضو به GDP هر کشور به عنوان یک پراکسی برای محاسبه اندازه بازار داخلی کشورهای عضو بیان می‌دارد که بزرگتر شدن بازار داخلی کشورهای مورد بررسی در نتیجه شکل‌گیری یکپارچه‌سازی تأثیر به‌سزایی در رشد این کشورها داشته است. بنابراین وی این فرضیه را که گسترش اتحادیه اروپا از طریق مقیاس بازار داخلی اعضا در قالب یکپارچه‌سازی می‌تواند تأثیر مثبتی بر رشد اعضا داشته باشد، مورد حمایت و تأیید قرار می‌دهد.

دانی و تنگ^۱ (۲۰۰۵) از یک مدل رشد تعدیل یافته برای آزمون اینکه آیا یکپارچه‌سازی آپک باعث بهبود رشد اقتصادی کشورهای عضو در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۸۹ شده است یا خیر استفاده کردند، و از طریق روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای دریافتند که

۱) کشورهای پیشرفته تر عضو با زیر بناهای بهتر، از یکپارچه‌سازی اقتصادی رشد بالاتری را نسبت به کشورهای در حال توسعه عضو کسب کردند.

۲) تجارت آزاد از طریق یکپارچه‌سازی آپک باعث رسیدن به رشد بالاتر کشورهای توسعه یافته تر عضو شده است.

ماتیس برتلون^۲ (۲۰۰۴) به بررسی تأثیر یکپارچه‌سازی منطقه‌ای بر رشد از طریق صرفه‌های مقیاس می‌پردازد. بدین منظور از پراکسی استفاده می‌کند که مجموع سهم کشورهای عضو از GDP جهان را زمانی که کشور J توافقات یکپارچه‌سازی منطقه‌ای را امضا کرده و به سایر کشورهای عضو می‌پیوندد اندازه‌گیری می‌کند. وی با استفاده از مدل داده‌های تلفیقی و در نظر گرفتن دوره زمانی ۱۹۹۹-۱۹۶۰ این نتیجه را بیان می‌کند که امضای توافقنامه با کشورهایی که سهم آنها از GDP جهان ۱٪ است می‌تواند نرخ رشد

1. Donny & Tang (2005).

2. Matias Berthelon (2004).

بلندمدت کشورهای عضو را به میزان ۰/۰۵۵٪ افزایش دهد. بنابراین موافقت نامه‌های یکپارچه‌سازی منطقه‌ای در صورتی که سبب گسترش بازارهای داخلی و بهره‌مندی کشورهای عضو از صرفه‌های مقیاس شود، می‌تواند تأثیر مثبتی بر نرخ رشد کشورها داشته باشد. وی همچنین در مقاله خود این موضوع را که "آیا سطح توسعه شرکا در میزان رشد اقتصادی هر کشور تأثیر گذار می‌باشد؟"، مورد بررسی قرار داد. بدین منظور او کشورهای عضو OECD را کشورهای شمال و بقیه کشورها را جزء کشورهای جنوب تعریف کرد و با استفاده از روش حداقل مربعات و در دوره زمانی ۱۹۶۹-۱۹۹۰ چنین نتیجه‌گیری کرد که توافقات شمال - شمال اثرات معنی داری بر رشد اعضا دارد و ترتیبات جنوب - جنوب تأثیرات مبهمی بر رشد دارد که بستگی به سطح GDP کشورهایی دارد که به یکدیگر پیوسته‌اند. در ارتباط با موافقت نامه‌های شمال - جنوب نیز وی به هیچ جواب مشخصی دست نیافت چرا که کشورهای جنوب عمدتاً کشورهای کوچکی هستند (سهم آنها از GDP جهان کم است) و تأثیر اندکی بر کشورهای شمال خواهند داشت. بنابراین توافقات شمال - جنوب تأثیرات اندکی بر رشد کشورهای شمال و تأثیرات بزرگتری بر رشد کشورهای جنوب خواهد داشت.

جودیت دین^۱ (۲۰۰۲) با استفاده از مدل داده‌های تلفیقی برای ۱۲ کشور آمریکای مرکزی و حوزه دریای کارائیب در دوره ۱۹۷۰-۱۹۹۸ در چارچوب مقررات ترجیحی تجارت به بررسی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم عضویت در یکپارچه‌سازی CBERA^۲ بر رشد کشورهای مذکور می‌پردازد. وی در روش غیر مستقیم ابتدا سرمایه‌گذاری را تابعی از آزادسازی تجاری معرفی کرده و با استفاده از مدل پنل نشان می‌دهد که ۱٪ افزایش در ضریب آزادسازی تجاری سبب ۰/۲٪ افزایش در میزان سرمایه‌گذاری کشورهای آمریکای مرکزی و ۰/۱۲٪ افزایش در میزان سرمایه‌گذاری کشورهای حوزه دریای کارائیب شده است. سپس رشد را تابعی از سرمایه‌گذاری در نظر گرفته و نشان می‌دهد که ۱٪ افزایش در سرمایه‌گذاری، رشد را به میزان ۰/۳۲٪ در کشورهای آمریکای مرکزی و به میزان ۰/۱۸٪

1. Judith M. Dean(2002).

2. Caribbean Basin Economic Recovery Act (CBERA)

در کشورهای حوزه دریای کارائیب افزایش می‌دهد. اما در روش مستقیم وی رشد را تابعی از متغیر آزادسازی تجاری در نظر گرفته و نتیجه می‌گیرد که رابطه معنی‌داری میان این دو متغیر در کشورهای مورد مطالعه وجود ندارد. بنابراین بیان می‌دارد که رابطه غیرمستقیمی میان آزادسازی تجارت و رشد اقتصادی وجود دارد و تجارت آزاد از طریق بهبود در میزان سرمایه‌گذاری سبب تحریک رشد در کشورهای مورد مطالعه می‌شود.

آنتونی و همکاران^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه تجربی روی کشورهای جنوب شرقی آسیا دریافتند که در بین سالهای (۱۹۶۰-۱۹۷۰) مقررات ترجیحی تجارت در بین کشورهای عضو آسه‌آن اثرات معنی‌داری در جذب FDI در منطقه داشته است. FDI در کشورهای عضو آسه‌آن منجر به اثرات سرریز (spillover) شده که این اثرات رشد اقتصادی را برای این کشورها به ارمغان آورده است. اما تشکیل (APTA) اثرات با وقفه‌ای را روی FDI داشته که خود باعث مزایایی برای کشورهای توسعه یافته‌تر عضو و مضراتی برای کشورهای کمتر توسعه یافته عضو شده است.

در حوزه مطالعات داخلی انجام شده نیز به دو مورد اشاره می‌کنیم. دکتر کریم آذربایجانی (۱۳۸۱) به بررسی تأثیر یکپارچه‌سازی منطقه‌ای بر رشد کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری قفقاز با استفاده از مدل داده‌های تلفیقی در دوره زمانی ۱۹۹۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۹۸ می‌پردازد. وی رشد را تابعی از لگاریتم تولید ناخالص داخلی هر کشور در ابتدای دوره، نسبت سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی به GDP، نرخ مبادله و نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی معرفی می‌کند و با توجه به تأثیر مثبت متغیر آزادسازی تجاری بر رشد کشورهای مورد مطالعه بیان می‌دارد که سیاست‌های برون‌گرایی ارتباط مثبتی را با رشد اقتصادی داشته و آن دسته از کشورهای مورد بررسی که به دلیل اتخاذ سیاست‌های برون‌گرایی مبادلات منطقه‌ای گسترده‌ای داشته و بخش‌های اقتصادی آنها در معرض رقابت بیشتر با بازارهای منطقه‌ای و جهانی بوده است، نرخ رشد بالاتری را تجربه کرده‌اند. بدین ترتیب وی معتقد است که کشورهای منطقه برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار باید به گسترش و تعمیق ترتیبات تجاری منطقه‌ای بیش از پیش توجه نموده تا

1. Antony et al(2001).

بتوانند روند سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی را با دسترسی به بازارهای یکدیگر تقویت نمایند. همچنین یکپارچه‌سازی منطقه‌ای در قالب انجام مبادلات تجاری نقش بسیار مهمی را در رشد اقتصادی کشورهای منطقه داشته است به عبارت دیگر یکپارچه‌سازی منطقه‌ای می‌تواند موجب تسریع در رشد کشورهای گرد که از نظر شاخص‌های اقتصادی فاصله بیشتری با کشورهای توسعه یافته دارند. بدین ترتیب ایجاد و گسترش ترتیبات منطقه‌ای می‌تواند زمینه ورود کشورهای منطقه را به اقتصاد جهانی فراهم نموده و آن‌ها را در مقابل مشکلات جهانی شدن حفظ نماید.

ابوالفضل محمد علیخانی (۱۳۷۷) به بررسی نقش اکو در توسعه اقتصادی ایران از نقطه نظر عضویت ایران در آن پرداخته و با استفاده از یک الگوی تطبیقی (مقایسه اکو و آسه آن) به این نتیجه می‌رسد که نه تنها حضور کشور در یک اتحادیه اقتصادی - منطقه‌ای عاری از عواقب منفی است، بلکه با توجه به موج فراگیر جهانی شدن و به منظور کسب آمادگی‌های لازم برای حضور مؤثر در تجارت جهانی پیوندهای منطقه‌ای ضروری می‌باشد. اکو به عنوان یک سازمان منطقه‌ای با استفاده از استراتژی توسعه مناسب (استراتژی توسعه صادرات که نیازمند بازار مناسب خصوصاً در زمینه صادرات غیر نفتی و خدمات است) می‌تواند نقش مؤثری در توسعه ایران داشته باشد و منجر به بهبود شاخص‌های اقتصادی تمام کشورهای عضو گردد.

از آنجا که سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) به عنوان یکپارچه‌سازی اقتصادی مطرح نمی‌باشد مطالعه‌ای در ارتباط با موضوع تحقیق حاضر بر روی OIC انجام نشده است و مطالعات موجود در ارتباط با یکپارچه‌سازی کشورهای اسلامی ناظر به انتخاب مناسب‌ترین کشورهای عضو سازمان برای تشکیل یکپارچه‌سازی است که از آن جمله می‌توان به مقاله زیر اشاره کرد:

وحید بزرگی و میر عبدالله حسینی در مقاله خود با عنوان "امکان سنجی تشکیل هسته مرکزی یک هم‌پیوندی اقتصادی کارآمد در سازمان کنفرانس اسلامی" به شناسایی آن دسته از کشورهای اسلامی می‌پردازند که از جنبه متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان توانمندی لازم را برای مشارکت فعال در منطقه‌گرایی دارا می‌باشند. بدین منظور به بررسی وضعیت

کشورهای عضو و رتبه بندی آنها با استفاده از ۱۶ شاخص کلیدی و مهم اقتصادی - تجاری مؤثر بر یکپارچه سازی اقتصادی پرداخته و در نهایت ۱۰ کشور امارات، ترکیه، کویت، بحرین، اندونزی، مالزی، عربستان، ایران، مصر و لبنان را به عنوان مناسب ترین کشورها برای تشکیل یکپارچه سازی اقتصادی معرفی می کنند.

۴. ارائه الگو و تجزیه و تحلیل نتایج

۴-۱. ارائه الگو

در این تحقیق، به منظور بررسی تأثیر یکپارچه سازی سازمان کنفرانس اسلامی (که کشورهای عضو را به انگیزه های غیراقتصادی (فرهنگی و ایدئولوژیکی گرد هم آورده) بر رشد اقتصادی هشت کشور منتخب این سازمان، از مدل بادینگر^۱ (۲۰۰۵) با اعمال تغییراتی در آن استفاده خواهیم کرد. بادینگر (۲۰۰۵) مدل زیر را برای بررسی تأثیر یکپارچه سازی بر رشد اقتصادی ارائه داده است.

$$\ln \text{GDP}_{i,t} = f(\text{int}_{i,t}, \text{capgrow}_{i,t}, \text{open}_{i,t}, \text{GDPgrow}_{i,t}) \quad (1)$$

متغیرهایی که در الگوی وی استفاده شده، عبارتند از: $\ln \text{GDP}$ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۲۰۰۰، int سطح یکپارچه سازی، cap grow رشد سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار، open نسبت تجارت به GDP و GDPgrow رشد شاخص ضمنی یا تعدیل کننده قیمت ها می باشند. در ادامه به رابطه متغیرهای فوق با متغیر وابسته (رشد تولید ناخالص داخلی) از لحاظ نظری اشاره می کنیم.

برای بیان تأثیر متغیر یکپارچه سازی بر رشد از روشی استفاده می کنیم که توسط بادینگر (۲۰۰۵) مطرح شد. بدین منظور وی از یک تابع کاب داکلاس با فرض بازده ثابت نسبت به مقیاس استفاده می کند.

$$Y = A K^\alpha L^{1-\alpha} \quad (2)$$

که در آن

1. Badinger (2005).

Y: محصول A: تکنولوژی K: میزان سرمایه L: میزان نیروی کار α : کشش تولید نسبت به سرمایه است.

اگر این تابع را به L تقسیم کنیم و از آن تفاضل و log بگیریم در این صورت خواهیم داشت:

$$kt = K/L \quad yt = Y/L$$

$$\Delta \ln yt = \Delta \ln At + \alpha \Delta \ln kt \quad (3)$$

از معادله (۳) در می‌یابیم که رشد تابعی از سطح تکنولوژی (A) و سرمایه فیزیکی (K) بوده و بنابراین یکپارچه‌سازی باید از طریق یکی از دو کانال فوق بر رشد تأثیرگذار باشد. در ادامه هر یک از دو تأثیر فوق را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۴. تأثیر یکپارچه‌سازی بر رشد از طریق تحریک تکنولوژی

بالاسا (۱۹۶۱)^۱ بیان می‌دارد که در نتیجه ایجاد یکپارچه‌سازی اقتصادی به دلیل حذف تعرفه‌های گمرکی و ایجاد بازارهای گسترده‌تر میان اعضا امکان برخورداری از صرفه‌های مقیاس برای کشورهای عضو فراهم خواهد شد. وی معتقد است که یکپارچه‌سازی از این طریق می‌تواند در بهبود کارایی و رشد اقتصادی کشورهای عضو تأثیرگذار باشد. بالدوین (۱۹۸۹)^۲ نیز معتقد است که یکپارچه‌سازی از طریق افزایش تحرک عوامل تولید، کاهش هزینه‌های مبادله و رقابت بیشتر سبب بهبود کارایی و رشد اقتصادی می‌گردد. اما در نظریه تأثیر یکپارچه‌سازی بر رشد از طریق تحریک تکنولوژی بیان می‌شود که اگر به طور مثال میان ۳ کشور A، B و C یکپارچه‌سازی اقتصادی تشکیل شود و کشور A بتواند از طریق سرمایه‌گذاری به تکنولوژی جدیدی دست یابد منافع ناشی از این سرمایه‌گذاری نه تنها نصیب کشور A خواهد شد بلکه به دلیل وجود اثرات سرریز^۳ که در نتیجه ایجاد یکپارچه‌سازی بوجود آمده است، دو کشور B و C نیز از این تکنولوژی جدید بهره‌مند خواهند شد با این تفاوت که در هزینه‌های R&D کشورهای مذکور صرفه‌جویی می‌شود. بنابراین کشورهای فوق از این طریق می‌توانند کارایی خود را بهبود بخشیده و به نرخ‌های

1. Balassa (1961).
2. Baldwin (1989).
3. Spillover Effect

رشد بالاتر دست یابند.

اگر سطح یکپارچه‌سازی در زمان t را با INT نشان دهیم تأثیر یکپارچه‌سازی بر رشد از طریق تحریک تکنولوژی را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\Delta \ln A_t = \gamma_{A0} + \gamma_{A1} \Delta INT_t \quad (۴)$$

A_t : تکنولوژی در زمان t INT : سطح یکپارچه‌سازی γ_{A0} جزء برون‌زای پیشرفت تکنولوژی است.

این برابری تنها مربوط به زمانی است که رشد از نوع موقت باشد. تأثیر یکپارچه‌سازی بر نرخ رشد دائمی و پایدار از تئوری رشد درون‌زا با تأثیرات مقیاس شکل گرفته است. رومر (۱۹۹۰)^۱ بیان می‌دارد که کشورهای بزرگتر در چارچوب یکپارچه‌سازی به دلیل برخورداری از تأثیرات مقیاس سریع‌تر رشد می‌کنند.

۲-۴. تأثیر یکپارچه‌سازی بر رشد از طریق تشویق سرمایه‌گذاری

نحوه تأثیرگذاری یکپارچه‌سازی بر رشد از طریق سرمایه‌گذاری بوسیله بالاسا (۱۹۶۱) بیان شد. وی نقش یکپارچه‌سازی را در ایجاد محیطی مطلوب برای فعالیت‌ها و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری می‌داند. در واقع می‌توان گفت که یکپارچه‌سازی از دو طریق می‌تواند منجر به افزایش سرمایه‌گذاری شود:

(۱) از آنجا که در نتیجه یکپارچه‌سازی به دلیل حذف تعرفه‌های گمرکی امکان تولید در یک مقیاس بزرگتر و برخورداری از صرفه‌های مقیاس فراهم می‌شود، این امر خود سبب افزایش سرمایه‌گذاری با انگیزه کسب سود از چنین بازارهایی خواهد شد.

(۲) در نتیجه ایجاد یکپارچه‌سازی تحریک عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار) با سهولت بیشتری میان کشورهای عضو امکان پذیر خواهد شد و هر کدام از عوامل تولید می‌توانند به راحتی به جایی انتقال یابند که بازدهی بیشتری نصیبشان شود. بنابراین ریسک سرمایه‌گذاری کاهش یافته و میزان آن افزایش می‌یابد.

فرضیه تأثیر یکپارچه‌سازی بر رشد از طریق سرمایه‌گذاری را می‌توان به صورت زیر

1. Romer(1990).

بیان کرد:

$$\Delta \ln kt = \gamma_{k0} + \gamma_{k1} \Delta \ln Tt_0 \quad (5)$$

kt: موجودی سرمایه INTt: سطح یکپارچه‌سازی است
با جایگزین کردن معادلات (۴) و (۵) در معادله (۳) خواهیم داشت:

$$\Delta \ln yt = \gamma_0 + \gamma_1 \Delta \ln Tt_0 \quad (6)$$

که میزان رشد را با سطح یکپارچه‌سازی مرتبط می‌کند.
در معادله (۶)

$$\gamma_0 = \gamma_{A0} + \alpha \gamma_{k0}$$

$$\gamma_1 = \gamma_{A1} + \alpha \gamma_{k1}$$

بنابراین همانطور که اشاره شد تأثیر یکپارچه‌سازی بر رشد اقتصادی از طریق تکنولوژی و تحریک میزان سرمایه‌گذاری صورت می‌پذیرد.

یکی دیگر از متغیرهای موجود در رابطه (۱) رشد سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار است. غالباً در ادبیات رشد درونزا بیان می‌شود تراکم سرمایه، نیروی کار ماهر و انتقال تکنولوژی به عنوان نیرو محرکه‌های اصلی رشد محسوب می‌شوند.^۱ بنابراین رشد سرمایه به ازاء هر واحد نیروی کار که به عنوان یک پراکسی مناسب برای تراکم سرمایه به شمار می‌رود می‌تواند سبب افزایش در تولید ناخالص داخلی و در نتیجه افزایش رشد شود. در واقع رشد سرمایه و یا به عبارت دیگر افزایش در میزان سرمایه‌گذاری به دلیل آثاری که بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند تقاضا و مصرف داشته و از طرف دیگر سبب ورود تکنولوژی‌های پیشرفته و حامل ارزش افزوده‌های بالاتر در کشورها شده، می‌تواند تأثیرات فزاینده‌ای بر رشد اقتصادی کشورها داشته باشد.

متغیر دیگری که توسط بادینگر در رابطه (۱) وارد شده است. درجه باز بودن^۲ می‌باشد که به صورت نسبت صادرات + واردات به GDP محاسبه می‌شود. این متغیر یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آزادسازی تجاری به شمار می‌رود. اتخاذ سیاست آزادسازی

1. Romer & Batiz (1990).

2. openness

تجاری از سوی یک کشور سبب شده تا آن کشور در معرض رقابت با تولیدکنندگان خارجی قرار گرفته و لذا کارائی استفاده از عوامل تولید و سازماندهی فرایند تولید و فنون مدیریتی در آن کشور افزایش یابد. همچنین کشورهایی که در عرصه بین‌المللی به داد و ستد می‌پردازند به منظور باقی ماندن در بازار بین‌المللی و حفظ رقابت از تکنولوژی و روش‌های تولیدی پیشرفته استفاده کرده و از این طریق نیز می‌توانند زمینه ایجاد رشد اقتصادی را فراهم آورند. در واقع آزادسازی تجاری از طریق افزایش جریان بین‌المللی نوآوری‌ها، دانش و تخصص نه تنها باعث افزایش رشد اقتصادی در تولید کالاهایی نهایی می‌شود بلکه توسعه روش‌های جدید تولید را نیز در پی خواهد داشت.^۱

آخرین متغیر موجود در رابطه (۱) رشد شاخص ضمنی یا تعدیل‌کننده قیمت‌ها می‌باشد که میزان رشد GDP deflator را نشان می‌دهد. این متغیر به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{GDP deflator} = p = \text{GDPn} / \text{GDPr} \quad (۷)$$

GDPn: تولید ناخالص داخلی اسمی

GDPr: تولید ناخالص داخلی حقیقی

از آنجا که در بحث‌های نظری اقتصاد کلان از این شاخص به عنوان شاخص تعیین‌کننده سطح قیمت‌ها استفاده می‌شود انتظار داریم که ضریب آن تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد.

بنابراین مدل بادینگر به صورت زیر قابل بیان خواهد بود.

$$\text{dlog yit} = \alpha + \beta_1 \text{intit} + \beta_2 \text{dlog (K/L)it} + \beta_3 \text{open it} + \beta_4 \text{dlog GDPdeflatorit} + \text{eit} \quad (۸)$$

که در آن

dlog yit: رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰

intit: سطح یکپارچه‌سازی که به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری روابط تجاری میان

1. Dowrick, S(1994).

هشت کشور عضو OIC استفاده شده است^۱

$dlog(K/L)_{it}$: میزان رشد حقیقی سرمایه به ازاء هر واحد نیروی کار

$open_{it}$: نسبت تجارت (صادرات + واردات) به سایر کشورها به GDP

$dlog GDP deflator_{it}$: رشد شاخص ضمنی یا تعدیل کننده قیمت ها

مدل فوق با ایجاد تغییراتی در آن و تنها برای هشت کشور اسلامی ایران، مصر، اندونزی، ترکیه، مالزی، عربستان، پاکستان و کویت برای دوره ۲۰۰۴ - ۱۹۹۴ برآورد خواهد شد. علت انتخاب کشورهای مذکور مشابهت این کشورها به لحاظ دو شاخص GDP و درآمد سرانه می باشد که شاخص های مهمی در یکپارچه سازی های اقتصادی محسوب می شوند، همچنین ترکیب کشورهای فوق مشابهت زیادی به گروه D8 دارد که یکی از تشکل های اقتصادی شکل گرفته در سازمان کنفرانس اسلامی است با این تفاوت که به دلیل محدودیت دسترسی به آمار و اطلاعات، دو کشور بنگلادش و نیجریه از ترکیب کشورهای فوق حذف و به جای آن دو کشور عربستان و کویت جایگزین شدند. برای محاسبه شاخص int از پراکسی که توسط دنیس^۲ (۲۰۰۱) برای ارزیابی یکپارچه سازی بین کشورهای عضو آسه آن بکار رفته استفاده کردیم. این شاخص به صورت زیر بیان می شود:

$$INTEG = (TRADE + FDI) / 2 \quad (9)$$

که در آن

INTEG: سطح یکپارچه سازی

TRADE: حجم تجارت درون گروهی کشورهای عضو (صادرات + واردات) نسبت

به GDP این کشورهاست.

FDI: میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی درون گروهی کشورهای عضو نسبت به

GDP این کشورهاست.

۱. در واقع برای بررسی روابط تجاری شکل گرفته در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی میان ۸ کشور مورد بررسی از یکی از شاخص های یکپارچه سازی اقتصادی استفاده خواهد شد.

2. Dennis

البته باید اشاره کرد که به دلیل عدم وجود آمار و اطلاعات در ارتباط با متغیر FDI درون گروهی برای کشورهای اسلامی این متغیر در محاسبه شاخص یکپارچه سازی مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

همچنین برای محاسبه میزان سرمایه از فرمول زیر استفاده خواهیم کرد:

$$K_t = K_{t-1} (1 - \delta) + I_t \quad (10)$$

K_t : میزان سرمایه در دوره t

K_{t-1} : میزان سرمایه در دوره t-1

δ : نرخ استهلاک سرمایه

I_t : میزان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در دوره t

در ارتباط با آمارهای مرتبط با متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق از شاخص های توسعه بانک جهانی (WDI 2006) که هر ساله توسط بانک جهانی منتشر می شود استفاده شده است. آمار مربوط به متغیر یکپارچه سازی نیز از مجله (Direction of Trade Statistics) استخراج شده است.

برای تخمین مدل مورد بررسی از روش داده های تلفیقی (پنل دیتا) استفاده خواهد شد. به طور خلاصه داده های تلفیقی به دو صورت کلی اثرات ثابت و اثرات تصادفی آزمون می شوند که البته بسته به نوع داده ها و مناسب بودن مدل باید از یکی از آن دو استفاده کرد. در قسمت بعدی آزمون لازم جهت تشخیص اینکه از کدام روش باید استفاده شود بیان می گردد اما پیش از آن آزمون برابری عرض از مبدأها مطرح می شود.

۲-۴. آزمون برابری عرض از مبدأها

$$H_0 : \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_N$$

$$H_1 : \alpha_i \neq \alpha_j$$

آماره این آزمون دارای توزیع F است و در واقع مثل این است که ما با دو مدل مقید و

غیر مقید مواجه هستیم که در مدل مقید، عرض از مبدأها ثابت و یکسان هستند :

$$F = \frac{RSS_R - RSS_U / N - 1}{RSS_U / NT - N - K} \quad (9)$$

RSSU : مجموع پسماندهای مدل غیر مقید

RSSR : مجموع پسماندهای مدل مقید

N : تعداد مقاطع‌ها

T : دوره زمانی

K : تعداد متغیرهای مدل

N.T : تعداد مشاهدات تعدیل شده

به دلیل آنکه هنوز تعیین نکرده‌ایم که از کدام روش (اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) برای تخمین استفاده نماییم، می‌توانیم از نتایج هر کدام از دو روش بهره‌گیریم. لذا ما در این آزمون از نتایج روش اثرات ثابت استفاده می‌کنیم. مدل مقید همان OLS معمولی است و مثل این است که داده‌های مربوط به مقاطع مختلف را پشت سر هم ردیف کرده باشیم و مدل را با پنج متغیر با N.T مشاهده تخمین بزنیم.

نتایج در جدول (۲) ارائه شده است. از آنجا که مقدار F محاسباتی ۱۱/۷۸۹ و میزان P-value آن صفر و کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین می‌توان فرضیه H_0 مبنی بر برابر بودن عرض از مبدأها را رد کرد و عرض از مبدأهایی متفاوت برای هر یک از مقاطع در نظر گرفت. در این حالت استفاده از OLS ناسازگار بوده و کارایی هم نخواهد داشت. (نتایج در جدول (۳) در پیوست ارائه شده است.)

۳-۴. آزمون هاسمن^۱ (گزینه‌ش میان اثرات ثابت و تصادفی)

با استفاده از این آزمون می‌توان فهمید که استفاده از کدام (RE^2 یا FE^3) مناسب‌تر است؟

این آزمون به صورت زیر مطرح می‌شود:

$$H_0 : E(x_i, \varepsilon_i) = 0$$

$$H_1 : E(x_i, \varepsilon_i) \neq 0$$

فرضیه H_0 به این معنی است که ارتباطی بین جزء اخلاص مربوط به عرض از مبدأها و

1. Hausman Test

2. Random Effect

3. Fixed Effect

متغیرهای توضیحی وجود ندارد، و یا به عبارت دیگر این دو مستقل از هم می‌باشند در حالیکه فرضیه مقابل به این معنی است که بین جزء اخلاص مورد نظر و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود دارد و چون به هنگام وجود همبستگی میان جزء اخلاص و متغیرهای توضیحی با مشکل تورش و ناسازگاری مواجه می‌شویم، بنابراین در صورت پذیرفته شدن فرضیه H1 حتماً می‌بایست از روش اثرات ثابت استفاده نماییم. تحت فرضیه H0 استفاده از هر دو روش اثرات ثابت و تصادفی امکان پذیر بوده و هر دو روش تخمین‌های سازگاری را خواهد داد. در واقع استفاده از هر دو روش اختلاف معنا داری را در تخمین‌ها ایجاد نخواهد کرد، اما با رد فرضیه H0 استفاده از روش اثرات تصادفی مناسب نمی‌باشد.^۱ از آنجا که آماره هاسمن محاسبه شده ۲۰- بوده و کوچکتر از مقدار بحرانی (۱۱/۰۷) در جدول توزیع می‌باشد لذا فرضیه H0 در این آزمون رد نمی‌گردد و استفاده از هر دو روش اثرات ثابت و تصادفی تخمین‌هایی سازگار خواهد داد.

۴-۴. نتایج حاصل از برآورد مدل

نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول (۴) آورده شده است. معادله حاصل از تخمین به صورت زیر است:

$$y_{grow} = 0/002 + 0/012 \text{ capgrow} + 0/007 \text{ int} + 0/108 \text{ open} - 0/06 \text{ gdgrow}$$

$$(5/73) \quad (8/54) \quad (364/5) \quad (-11/55)$$

نتایج حاصل از مدل نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مستقل در سطح ۵٪ معنی دار می‌باشند. همچنین به دلیل استفاده از مدل داده‌های تلفیقی احتمال هم خطی میان دو متغیر int و open وجود نخواهد داشت چرا که یکی از مزایای استفاده از روش داده‌های تلفیقی نسبت به داده‌های مقطعی و یا سری‌های زمانی آن است که احتمال هم خطی میان متغیرها را کاهش می‌دهد.

در معادله فوق ضریب متغیر int که عبارت از نسبت تجارت درون گروهی به GDP کشورهای مورد بررسی می‌باشد، به لحاظ آماری معنی دار و دارای علامت مثبت می‌باشد. این بدان معنی است که نسبت مذکور که به عنوان یک پراکسی برای بررسی تأثیر

1. Greene(1993),p649.

یکپارچه‌سازی کشورهای اسلامی (OIC) بر رشد انتخاب شده است، توانسته است تأثیرات مثبتی را بر رشد نشان دهد به طوری که با فرض ثبات سایر شرایط در صورتی که یک واحد این نسبت افزایش یابد میزان رشد اقتصادی در مدل مذکور به میزان ۰/۰۰۷ افزایش می‌یابد که البته باید گفت که میزان تأثیرگذاری این متغیر بر رشد چندان زیاد نیست. این موضوع می‌تواند به دلیل آن باشد که این کشورها هنوز به سمت یکپارچه‌سازی اقتصادی حرکت نکرده‌اند و بحث بازار مشترک اسلامی میان آنها هنوز عینیت نیافته است. بدیهی است که با تحقق این هدف و تحرک آزادانه‌تر سرمایه و نیروی کار و حذف یا کاهش بیشتر تعرفه‌ها حجم تجارت درون گروهی به GDP کشورهای فوق تأثیر بیشتری را بر رشد آن‌ها نشان دهد.

متغیر $capgrow$ که رشد K/L را به قیمت ثابت ۲۰۰۰ نشان می‌دهد دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد می‌باشد، که مطابق با انتظار بوده و مؤید تئوری می‌باشد. ضریب این متغیر حاکی از آن است که با فرض ثبات سایر شرایط در صورتی که این متغیر به اندازه یک واحد افزایش یابد میزان رشد در تولید ناخالص داخلی به اندازه ۰/۰۱۲ افزایش می‌یابد.

متغیر دیگر مدل $open$ می‌باشد که نسبت تجارت (صادرات + واردات) به سایر کشورها را به GDP کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد. ضریب این متغیر از معناداری بالایی برخوردار بوده و تأثیر مثبتی را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد. علامت این ضریب نیز با تئوری سازگار می‌باشد. این متغیر بیشترین تأثیر را بر رشد تولید ناخالص داخلی دارا است به گونه‌ای که با فرض ثبات سایر شرایط در صورتی که نسبت تجارت به GDP این کشورها، ۱ درصد افزایش یابد رشد اقتصادی به میزان ۰/۱ درصد افزایش خواهد یافت.

آخرین متغیر مدل نیز $gdgrow$ است که رشد شاخص ضمنی قیمت‌ها را نشان می‌دهد. در مدل مورد بررسی ضریب متغیر فوق منفی بوده که مطابق با تئوری است و به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. این ضریب بیانگر آن است که با فرض ثبات سایر شرایط در صورتی که رشد در شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی یک واحد افزایش یابد، ۰/۰۶ واحد از میزان رشد در تولید ناخالص داخلی کاسته می‌شود.

جمع بندی و ملاحظات

در این مقاله تأثیر یکپارچه‌سازی OIC بر رشد اقتصادی هشت کشور منتخب این سازمان طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۴ مورد بررسی قرار گرفت به عبارت دیگر تلاش شد تا تأثیر یکپارچه‌سازی بر رشد از منظر یکپارچه‌سازی غیر اقتصادی (OIC) مورد ارزیابی قرار گیرد. بدین منظور از پراکسی int (تجارت درون گروهی) برای اندازه‌گیری روابط تجاری شکل گرفته در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی استفاده شد. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که ضریب شاخص فوق به لحاظ آماری معنی دار و دارای علامت مثبت است اما این اثر گذاری با توجه به میزان ضریب بدست آمده چندان زیاد نیست، به طوری که با فرض ثبات سایر شرایط در صورتی که شاخص فوق یک واحد افزایش یابد میزان رشد اقتصادی تنها به میزان ۰/۰۰۷ افزایش خواهد یافت. این امر می‌تواند به این دلیل باشد که کشورهای مذکور هنوز گام مؤثری را در جهت تشکیل یکپارچه‌سازی اقتصادی بر نداشته‌اند. ایجاد بازار مشترک اسلامی و تبدیل سازمان کنفرانس اسلامی از یکپارچه‌سازی فرهنگی و ایدئولوژیک به یکپارچه‌سازی اقتصادی سبب خواهد شد تا ضریب فوق اثر گذاری بیشتری بر رشد کشورهای این سازمان داشته باشد. تشکیل بازار مشترک برای کشورهای مذکور فرصتی را ایجاد خواهد کرد تا از منابع و پتانسیل‌های بلااستفاده یکدیگر استفاده نمایند و از آنجا که تشکیل بازار مشترک اسلامی میان تمامی ۵۷ کشور اسلامی به دلیل پراکندگی جغرافیایی اعضا و وجود تفاوت در ساختار اقتصادی آنها نیازمند زمانی طولانی می‌باشد، در صورتی که هشت کشور اسلامی مورد بررسی که دارای تشابه در GDP و درآمد سرانه هستند اقدام به تشکیل بازار مشترک میان خود نمایند با سهولت بیشتری می‌توانند به رشد بالاتر دست یابند.

مقایسه ضریب متغیر int (تجارت درون گروهی) با ضریب متغیر open (تجارت با سایر کشورها) در مدل نشان می‌دهد که هنوز بخش عمده‌ای از تجارت کشورهای اسلامی مورد بررسی با سایر کشورهای جهان انجام می‌شود. بنابراین توصیه به کشورهای مذکور این است که با تغییر نگرش، ارتقای کیفیت محصولات تولیدی، توجه بیشتر به سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه (R&D) زمینه گسترش تعامل و همکاری در بعد اقتصادی و

تجاری را با یکدیگر فراهم آورده و از این طریق بستر مناسبی را برای تحقق سریعتر یکپارچه‌سازی اقتصادی (بازار مشترک) فراهم نمایند.

به عنوان یک نتیجه‌گیری کلی و در راستای ارائه راهکار عملیاتی اثربخش جهت ایجاد یکپارچه‌سازی اقتصادی (بازار مشترک) و افزایش حجم تجارت درون گروهی موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- ایجاد مقررات ترجیحی تجارت و کاهش موانع تعرفه‌ای
- ۲- ارتقای کیفیت محصولات تولیدی به منظور انجراف تجارت از کشورهای غیر عضو به سمت تجارت با کشورهای عضو
- ۳- بهبود زیر ساخت‌ها و گسترش حمل و نقل هوایی، دریایی و زمینی به منظور کاهش هزینه‌های حمل و نقل که فاکتور مهمی در ایجاد یکپارچه‌سازی اقتصادی میان کشورهای عضو می‌باشد.

پیوست

جدول ۳- آزمون برابری عرض از مبدأ

Wald Test:			
Pool: POOL2			
Test Statistic	Value	Df	Probability
F-statistic	11.78920	(7, 60)	0.0000
Chi-square	82.52440	7	0.0000
Null Hypothesis Summary:			
Normalized Restriction (= 0)	Value	Std. Err.	
C(5) - C(6)	0.055045	0.015879	
C(6) - C(7)	-0.060879	0.014352	
C(7) - C(8)	0.034856	0.015037	
C(8) - C(9)	0.022875	0.020672	
C(9) - C(10)	-0.032947	0.016010	
C(10) - C(11)	0.035165	0.006855	
C(11) - C(12)	-0.044210	0.015008	
Restrictions are linear in coefficients.			

جدول ۴- نتایج تخمین مدل

Dependent Variable: YGROW?				
Method: Pooled EGLS (Cross-section SUR)				
Date: 10/12/08 Time: 15:03				
Sample (adjusted): 1996 2004				
Included observations: 9 after adjustments				
Cross-sections included: 8				
Total pool (balanced) observations: 72				
Linear estimation after one-step weighting matrix				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	0.002294	0.004051	0.566225	0.5734
CAPGROW?	0.012120	0.002115	5.731457	0.0000
GDGROW?	-0.061732	0.005344	-11.55221	0.0000
INT?	0.007027	0.000822	8.543563	0.0000
OPEN?	0.108488	0.000298	364.5108	0.0000
Fixed Effects (Cross)				
EGYPT--C	0.026638			
INDONES--C	-0.028407			
IRAN--C	0.032471			
KUWAIT--C	-0.002385			
MALAYSIA--C	-0.025260			
PAKISTAN--C	0.007687			
SAUDI--C	-0.027477			
TURKEY--C	0.016733			
Effects Specification				
Cross-section fixed (dummy variables)				
Weighted Statistics				
R-squared	0.999654	Mean dependent var	7.111273	
Adjusted R-squared	0.999591	S.D. dependent var	53.17919	
S.E. of regression	1.071194	Sum squared resid	68.84733	
F-statistic	15773.62	Durbin-Watson stat	2.154374	
Prob(F-statistic)	0.000000			
Unweighted Statistics				
R-squared	0.998037	Mean dependent var	0.131601	
Sum squared resid	0.093932	Durbin-Watson stat	2.359335	

منابع

آذربایجان، کریم (۱۳۸۱)؛ "جهانی شدن، یکپارچه سازی اقتصادی - منطقه ای و تأثیر آن بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری قفقاز"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۱.

بزرگی، وحید و میرعبدالله حسینی، (۱۳۸۵)؛ "امکان سنجی تشکیل هسته مرکزی یک هم پیوندی اقتصادی کارآمد در سازمان کنفرانس اسلامی"، *فصلنامه پژوهش های اقتصادی*، سال ۶، شماره ۳.

پژویان، جمشید (۱۳۶۹)؛ *اقتصاد بخش عمومی*، جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران.
حسن پور، یوسف (۱۳۸۵)، *بررسی عوامل مؤثر بر تجارت درون صنعت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)*، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
حسینی، میر عبدالله و وحید بزرگی، (۱۳۸۴)؛ "مطالعه محیط اقتصاد کلان بین الملل کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی"، *مجله بررسی های بازرگانی*، شماره ۱۶.

رحمانی، تیمور (۱۳۸۳)؛ *اقتصاد کلان (جلد اول)*، انتشارات برادران، چاپ هفتم.
رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۵)؛ *همگرایی اقتصادی (ترتیبات تجاری منطقه ای و بازار مشترک)*، انتشارات سمت، چاپ اول.

سلوکی، سجاد (۱۳۸۵)؛ *بررسی نظری و کاربردی همگرایی اقتصادی میان کشورهای اسلامی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.
گجراتی، دامور (۱۳۸۳)؛ *مبانی اقتصاد سنجی (جلد دوم)*، ترجمه حمید ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران.

محمد علیخانی، ابوالفضل (۱۳۷۷)؛ *بررسی تحلیلی نقش سازمان همکاری های اقتصادی (اگو) در توسعه اقتصادی ایران (با تأکید بر برنامه های توسعه اقتصادی)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.

Anthony, Ford. Slaster, Jim. Nabende. (2001); "FDI, Regional Economic Integration

- and Endogenous Growth : Some Evidence from South East Asia “, *Pacific Economic Review*, Vol .6 , No.3, PP. 389.
- Badinger, Harald. (2005); " Growth Effect of Economic Integration :Evidence from the EU Member State " , *Review of World Economics*, Vol. 141.
- Balassa, Bela.(1961); " The Theory of Economic Integration " , London
- Batiz & Romer,(1991); "Economic Integration and Endogenous Growth, *The Quarterly Journal of Economic* , Vol. 106.
- Berthelon, Mathias.(2004); " Growth Effects of Regional Integration Agreement " , Central Bank of Chile , Working Papers.
- Bhagwati. J.N.& Panagariya , A.(1996); “ The Theory of Preferential Trade Agreement Historical Evolution and Current Trends: *The American Economic Review*, Vol. 86, No.2, pp. 82-87
- Brodzicki, Tomasz.(2006); " The Scale of Internal Market and the Growth Effects of Regional Economic Integration , the Case of EU".
- Caniels, M.C.J, Verspagan . B.(1999); " The Effect of Economic Integration on Regional Growth , an Evolutionary Model".
- Dean,Judith M.(2002); " Do Preferential Trade Agreement Promote Growth? An Evaluation of the Caribbean Basin Economic Recovery Act", US. International Trade Commission. Working paper.
- Dennis.J.David, Zainal Aznam, Yusof.(2003); "Developing Indicators of ASEAN Integration " , A Preliminary Survey for a Roadmap Project.
- Direction of Trade Statistics, (2006); Year Book.
- Greene,Williamson,H.(1993)."Econometric Analysis", Macillan
- Lei, Netz, Janet.(2006); "International Integration and Growth: A Further Investigation in Developing Countries", *International Advance in Economic Research*.
- Lombaerde, Philippe. Pietrangeli,Giulia. Weeratunge., Chetrrlni.(2006); "A System of Indicators for Monitoring Regional Integration Processes", *Comparative Regional Integration Studies*.
- Paster, Jose, M. Seranno, Lornza.(1999); "Economic Integration, Efficiency and Economic Growth: The European Union Experience", *Applied Economic Letters*, Vol. 6.

-
- Tang, Donny,(2005); "The Effect of Economic Integration on Economic Growth; Evidence from the APEC Countries 1989- 2000", *Global Business and Economic Review*.
- Walz, U.(1997); "Dynamic Effect of Economic Integration", *Open Economic Review*, Vol. 8, No. 3.
- World Bank (2006); World Development Indicators CD- ROM.